

۲۸ مرداد ۳۲؛ درد همیشه ماندگار تاریخ ایران!

امیرجوهری لنگرودی
andishe.gbg@hotmail.com



کودتای مرداد سال ۳۲، حاصل تبنای مشترک دربار پهلوی و روحانیت شیعه (کاشانی)، مداخله امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا، در پیوند ارتش و اجامر و اوباش غارتگر!

در نقد آنانی که تکرار، واریسی و یادآوری خیانت‌بار کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را یاد آوری "عاشورایی" می‌نامند تا گند سلطنت دودمانی را پاک کنند، باید نوشت: آن از ما بهترانی که با عناوین زینت بخش تاریخ نگاری، رویکرد تاریخی در بازپرداختن و افشای خباثت دربار و روحانیت و اجامر و اوباش و ارتش را «تکرار عاشورایی» می‌خوانند، کلب آستان‌هایی هستند که به میرزا بنویسی و کاسه لیبسی دفتر فرح پهلوی و شازده‌اش تنزل یافته‌اند تا از این کوچ دودمانی برای خود کلاهی بدوزند!

هم اینان دو انگاره بود شدگی‌شان را به شکل توأمان نمایندگی می‌کنند. هم درصدد به فراموشی کشاندن کرده‌های دربار سلطه پهلوی‌اند و هم کاسه لیبسی دستگاه روحانیت شیعه را به نوعی نمایندگی می‌کنند؛ حتی آنان که روزگاری بر پیشانی تحقیق تاریخی‌شان نوشته بودند: «تاریخ، شرح جنگ‌ها و عیاشی‌ها و بیان شکست‌ها و ناکامی‌های سلاطین و سرداران نیست؛ تاریخ- بعنوان یک علم - بمعنای بررسی، کشف و تبیین روابط علی و حوادث و حرکات‌های اجتماعی است و هم از این روست که درک تاریخ، درک چشم‌اندازهای آینده نیز هست. چرا که آینده برآیند ناگزیر گذشته و حال است...»

باری امروز در هفتاد سالگی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هستیم. کودتایی که بازشناسی آن به نسل جوان جامعه نشان خواهد داد که چگونه دربار سلطنتی و بیت روحانیت شیعه با همکاری تتگاتنگ دو سازمان جاسوسی ام آی 6 و سیا و امرای مرتجع ارتش و لشکر

اوباشان پری بلنده، شعبان جعفری (معروف به شعبان بی مخ) و دارودسته‌ی طیب صورت گرفت.

واقعیت تاریخ روشن است: محمدرضا پهلوی (شاه ایران) نخواست در روز کودتا، نگران حضور خود در ایران باشد و می‌خواست هنگام کودتا علیه دولت قانونی دکتر مصدق در کشور نباشد. در همین ایام توافق انگلستان و امریکا برای ساقط کردن حکومت مصدق که قبلاً طرح‌ریزی شده بود به مرحله اجرا درآمد. محمدرضا پهلوی در ۲۲ مرداد حکم عزل مصدق و نخست‌وزیری سرلشکر زاهدی را صادر کرد و خود پس از صدور فرمان، به شمال ایران (کلاردشت مازنداران) عزیمت کرد.

در ساعت ۲ بامداد فرمانده گارد شاهنشاهی فرمان را به مصدق ابلاغ کرد ولی وی هنگام خروج از منزل بازداشت شد و رادیو تهران این اقدام را کودتا خواند. در این هنگام شاه و همسرش با یک هواپیما از طریق عراق از ایران خارج شده و به ایتالیا رفتند. روزهای ۲۵ تا ۲۷ مرداد، در سراسر ایران اجتماعات بزرگی تشکیل شد و از دولت لغو نظام سلطنتی درخواست شد. خروج شاه از ایران بدون هیچ تشریفات و بدون تشکیل «شورای سلطنت» از نظر بسیاری «فرار شاه» تلقی شد. از جمله دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه‌ی وقت ایران که «خروج شاه بدون اطلاع قبلی» را «فرار» دانست و اعلام کرد این کار شاه به منزله استعفای اوست. پس از علنی شدن خبر فرار شاه از کشور، مردم به خیابان‌ها ریختند، مجسمه‌های او و پدرش رضاشاه را پایین کشیدند و علیه سلطنت شعار دادند. گروهی نیز در نقاط مختلف تهران و همچنین میدان بهارستان تظاهرات کردند و خواستار «نظام جمهوری» و پایان سلطنت شدند، کاخ‌های سلطنتی بسته شد و برنامه‌ی دعا به جان شاه از برنامه‌ی پادگان‌ها کنار رفت. شاه پیش از خروج، یکی از ضعیف‌ترین شاهان تاریخ ایران بود، چرا که محمد مصدق با استفاده از وضعیت بحرانی کشور و فشارهای خارجی پس از ملی شدن صنعت نفت، قدرت بسیاری گرفته بود با دربار به مقابله برخاسته بود و در بسیاری موارد محمدرضا پهلوی چاره‌ای جز کوتاه آمدن در برابر او نداشت. طنز قضیه در این است که شاه فراری ۳ روز پس از تاریخ ۲۸ مرداد، آنگاه که پیروزی کودتاچیان انگلیسی - آمریکایی و عوامل ارتش و دستگاه روحانیت و ارازل و اوباشش را قطعی دید، و از طرف اربابان غربی‌اش اجازه و اطمینان یافت، به کشور بازگشت.

همان گونه که آوردم: در سالگرد کودتای ۲۸ مرداد، یادآوری نقش این کودتا که با همکاری دو سازمان جاسوسی ام‌آی ۶ و سیا و روحانیت شیعه به زعامت آیت الله کاشانی و امرای مرتجع ارتش و لشکر همه سر اوباشان از پری بلنده بگیر تا طیب و شعبان بی مخ و کبادهکش‌های او، همه و همه در قدرت گرفتن مقام و موقعیت روحانیت شیعه در ایران سهیم و بازپرداختن به آن ضروری و الزامی است.

سلطنت طلبان آبرو باخته‌ای که امروزه کاسه و کوزه‌ی روی کار آمدن دارو دسته خمینی در ایران در سال ۱۳۵۷ را بر سر چپ‌ها و دمکرات‌های انقلابی می‌شکنند، اگر تاریخ را کمی به عقب ورق بزنند، درخواهند یافت که این کودتا چه عامل موثری در قدرت گرفتن

روحانیت شیعه در ایران بوده است. اگر این کودتا اتفاق نمی‌افتاد و اسب جنبش دمکراتیک از نفس نمی‌افتاد، تاریخ معاصر ایران به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. تخم و ترکیه‌ی فکری باقی ماندگان کودتای ۲۸ مرداد که حالا نقش اپوزیسیون بازی می‌کنند، با مقصر دانستن انقلابیون ۵۷ که خود از جمله قربانیان روی کار آمدن رژیم اسلامی بودند، همواره می‌خواهند آثار جنایات پدران فکری‌شان را در این کودتا محو کنند.

می‌توانیم امیدوار باشیم که نسل جنگنده‌ای که امروز در خیابان‌های ایران، رژیم جمهوری اسلامی را به چالش طلبیده است با درک دقیق از عوامل موثر در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و فاجعه‌ای که ایران را به آن دچار ساخت، تلاش‌های مذبحخانه‌ی هواداران سلطنت و کودتاچی‌های ۳۲ را عقیم بگذارند و در آستانه‌ی سالروز قتل عمد حکومتی مهسا "ژینا" امینی و سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی جنبش پر قدرت و توفنده‌ی دیگری را با سازماندهی و قدرت یابی فزون‌تر سراسری فاعل اجتماعی ما یعنی توده عظیم زنان و مردان و جوانان پیکارگر، این چرخ وامانده را به ثمر بنشانند.

جمعه ۲۷ مرداد ۱۴۰۲ برابر با ۱۸ اگوست ۲۰۲۳